

طراحی برنامه تعاملی روانی- اجتماعی باورها و رفتارهای دینی دانشجویان  
بر اساس رویکرد شناختی- رفتاری

Designing interactive psycho-social program for improvement of religious  
beliefs and behaviors of university students  
based on cognitive-behavioral approach

Mohammad Khodayarifard

Mohsen Paknejad

Bagher Ghobari-Bonab

Sayed kamal Kharazi

Behrooz Tahmaseb Kazemi

محمد خدایاری فرد\*

محسن پاک‌نژاد\*\*

باقر غباری بناب\*\*\*

سیدکمال خرازی\*\*\*

بهروز طهماسب کاظمی\*\*\*

چکیده

Abstract

The aim of developing a cognitive-behavioral model of religiosity is to construct and standardize of the measurement scale of religiosity, and further, to guide the planning for improvement of religiosity factors. The objective of this article is to explain psycho-social factors associated with the improvement of religious beliefs and behaviors of university students. Start of university life and having more freedom and control over their own time, the norms of friends and peer groups presence at sacred places along with friends, wrong beliefs, ambiguity and doubtfulness, and university religious culture and norms on the one hand, and secured attachment to God on the other hand, had been examined and discussed as -effective factors. Lastly, on the basis of this model a package for improvement of students' religious beliefs and behaviors has been developed, which covers seven fundamental dimensions of a safe life skills, secured attachment, spiritual quality and moral behavior, responding questions, spiritual intelligence, using films and sight seeing and correcting wrong religious beliefs.

**Keywords:** cognitive-behavioral model, religiosity, religious improvements, religiosity factors

هدف از طراحی مدل شناختی- رفتاری دینداری، علاوه بر ساخت و هنجاریابی مقیاس سنجش دینداری، راهنمایی برای برنامه‌ریزی در جهت بهبود مؤلفه‌های دینداری است. هدف مقاله حاضر، تبیین عوامل روانی- اجتماعی مرتبط با اعتلای باورها و رفتارهای دینی در محیط‌های دانشجویی است. ورود به دانشگاه و کسب آزادی و کنترل بیشتر برای دانشجوی، هنجارهای همسالان و دوستان، حضور در مکان‌های دینی در قالب دوستی، باورهای غلط، ابهام در فرهنگ دینی و هنجاری دانشگاه از یک سو، و رابطه دلبستگی ایمن با خدا از سوی دیگر، به‌عنوان عوامل مؤثر بر دینداری بررسی و تبیین شده است. این مدل اساس تهیه بسته آموزشی جامع اعتلای باورها و رفتارهای دینی دانشجویان با هفت محور اساسی مهارت‌های زندگی سالم، دلبستگی ایمن، کیفیت معنوی و رفتار اخلاقی، پاسخگویی به شبهات، هوش معنوی، کاربرد فیلم و طبیعت‌گردی و اصلاح باورهای غلط دینی قرار گرفت.

**واژه‌های کلیدی:** نگرش دینی دینداری، برنامه‌های فرهنگی دانشجویی، مدل شناختی- رفتاری

email: Khodayar@ut.ac.ir

\* استاد دانشگاه تهران

\*\* استادیار جهاد دانشگاهی

\*\*\*دانشیار دانشگاه تهران

\*\*\*\* دانشجوی دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی

Received: 15 May 2012

Accepted: 13 Apr 2013

پذیرش: ۹۲/۱/۲۴

دریافت: ۹۱/۲/۲۶

## مقدمه

پس از چند دهه پژوهش، مفهوم دینداری به‌عنوان پدیده‌ای چندبعدی پذیرفته شده است. شواهد بسیار زیادی این موضوع را تأیید می‌کنند، مانند نظریه چندبعدی دین لانسکی<sup>۱</sup> (۱۹۶۱) که دینداری را متشکل از چهار بُعد مشارکتی<sup>۲</sup> (حد حضور در فعالیت‌های رسمی و جمعی نهاد دین)، معاشرتی<sup>۳</sup> (پیوندهای دینی دوستانه و عاطفی با هم‌کیشان)، راست‌کیشی<sup>۴</sup> (حد پذیرش عقلانی دستورهای کلیسا) و عبودیتی<sup>۵</sup> (سطح ارتباط خصوصی و انفرادی با خدا از طریق رفتار دینی) دانسته است. گلاک و استارک<sup>۶</sup> (۱۹۶۵) دسته‌بندی دیگری از ابعاد دینداری ارائه می‌دهند. الگوی آنها شامل پنج بُعد است: عبادتی<sup>۷</sup>، منطقی و عقلی<sup>۸</sup>، ایدئولوژیکی<sup>۹</sup>، تجربی<sup>۱۰</sup> و پیامدی<sup>۱۱</sup>. مدل وربیت<sup>۱۲</sup> (۱۹۷۰) نیز با اعتقاد به چندبُعدی بودن دین، شش بعد را برای دین ذکر می‌کند که عبارتند از: مناسک (مراسم مذهبی خصوصی و عمومی)، تعالیم (نظریات قطعی پیرامون رابطه فرد با غایت)، عاطفه (برخورداری از احساسات)، معرفت (آشنایی عقلانی با اصول و متون مقدس)، اخلاق (قواعدی دال بر خیر و شر و خوب و بد برای هدایت رفتارهای بین‌فردی) و جماعت (ورود به جماعت اهل ایمان، از لحاظ روانشناختی، اجتماعی یا فیزیکی). کینگ و هانت<sup>۱۳</sup> (۱۹۷۵)، دیویدسون<sup>۱۴</sup> (۱۹۷۵)، مولر<sup>۱۵</sup> (۱۹۸۰) و روف<sup>۱۶</sup> (۱۹۷۹) نیز مدل‌هایی را برای ابعاد دینداری معرفی کرده‌اند. در ایران نیز در کنار تلاش‌هایی برای ترجمه و تطبیق مدل‌های غربی، شجاعی زند (۱۳۸۴) بر اساس تحلیل و تبارشناسی مفاهیم و ابعاد دینداری در بستر غرب و نیز با الهام از متون دینی اسلام، مدل پنج‌بعدی ابعاد دین شامل اعتقادات، ایمانیات، عبادیات، اخلاقیات و شرعیات را معرفی و بر اساس آن سنجۀ دینداری را منتشر کرده است.

1. Lenski
2. associational
3. communal
4. doctrinal orthodoxy
5. devotionalism
6. Glock & Stark
7. devotional
8. logicul & Rational
9. ideology
10. empirical
11. consequential
12. Verbit
13. King & Hunt
14. Davidson
15. Mueller
16. Roof

اگر چه مطالعات بسیاری در حوزه شناخت ابعاد دینداری و طراحی سنجه‌های آن انجام گرفته و الگوهای متعددی بر اساس بنیان‌های نظری ادیان مختلف ارائه شده است، مطالعات یکپارچه و جامعی در راستای به‌کارگیری برنامه‌های تعاملی ارتقادهنده دینداری وجود ندارد. در این زمینه مطالعات جزئی زیادی در ادبیات این حوزه و بر مبنای الگوهای غیراسلامی صورت گرفته است. تعمیم این الگوها در دینداری اسلامی و در جامعه ایران نیز به اشکال مختلف در مطالعات محققان کشور صورت گرفته است. لیکن نتایج و دستاوردهای این تحقیقات بنا بر تفاوت‌های موجود در بنیان‌های نظری حاکم بر این الگوها در جوامع اسلامی قابل استفاده نیست. از این‌رو محققان با کشف این حقیقت و عدم تناسب این الگوها با جامعه ایرانی بر آن شدند تا علاوه بر طراحی الگویی از دینداری و سپس طراحی و تولید و ارائه سنجه‌های متناسب با آن در تحقیقات گسترده خود طی سال‌های طولانی در این تحقیق مقدمات طراحی برنامه‌های تعاملی برای ارتقای دینداری را بر اساس این الگوها و متناسب با بوم ایران طراحی و آزمایش کنند.

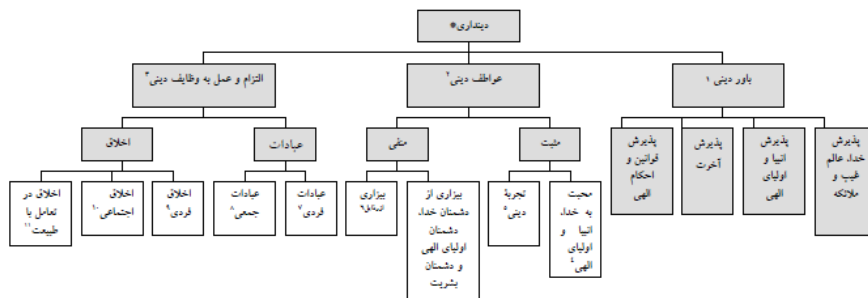
### پیشینه نظری تحقیق

با وجود توافق عمومی بر چندبعدی بودن دینداری، همان‌گونه که مطرح شد، محتوا و ابعاد دینداری تفاوت‌های زیادی با هم دارند. این تنوع ابعاد سبب شده است که رویکردهای متفاوتی برای تعریف و اندازه‌گیری ابعاد دینداری و روش‌های تحلیل آن برای جمعیت‌های متفاوت، توسعه و گسترش یابد. در رویکردی بر اساس شیوه تعریف و توسعه ابعاد دین، دو نوع شیوه شناسایی شده است: ۱- روش مفهومی که ابتدا ابعاد خاص دینداری و سپس مؤلفه‌های هر یک از ابعاد را تعریف کرده است؛ ۲- روش آماری که بیشتر عمل‌گرایانه است. بر اساس روابط آماری موجود بین مجموعه‌ای از مؤلفه‌های متعلق به مجموعه بزرگ‌تر، ابعاد دینداری تعریف شده است (کورنوال<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۸۶). بر اساس این دسته‌بندی مدل‌های لنسکی، گلاک و استارک و همچنین مدل آلپورت و راس<sup>۲</sup> در گروه مفهومی و مدل کینگ و هانت در مدل آماری قرار می‌گیرند. در رویکرد دیگری وولف<sup>۳</sup> (۱۹۹۷، ترجمه دهقانی، ۱۳۸۶) در بررسی رویکردهای مطالعات روانشناختی دین، دو جریان اصلی توصیفی و تبیینی را مشخص کرده است. وی این دو جریان اصلی را در یک طرح متقاطع عمودی و افقی ادغام و یک پارادایم کلی ارائه کرده است. محور عمودی به پذیرش یا انکار متعالی و ذات مقدس تعلق دارد و محور افقی به جلوه‌های ایمان دینی

---

1. Cornwall  
2. Alport & Ross  
3. Wulff

اعم از عقاید، تصاویر و آیین‌ها می‌پردازد که دارای دو طیف نمادین و ظاهری است. به بیان دیگر، محور عمودی حد پذیرش و درونی‌سازی مفاهیم و اهداف مذهبی را بیان می‌کند و محور افقی چگونگی تفسیر این مفاهیم (نمادین یا تحت‌اللفظی) را می‌سنجد. بر اساس این دیدگاه، مطالعات دینی ایران در دو دهه اخیر بیشتر بر محور عمودی یعنی حد پذیرش و درونی‌سازی ایمان دینی متمرکز بوده و کمتر به موضوع چگونگی تفسیر این مفاهیم از دیدگاه افراد یا قرائت خاص افراد پرداخته شده است. از سوی دیگر روف (۱۹۷۹) ویژگی‌های الگوی مناسب تحلیلی برای تعیین و تعبیر یافته‌های دینی را واجد دو خصوصیت دانسته است: نخست اینکه الگو باید ابعاد مرکزی یا هسته‌ای و نیز ابعاد پیرامونی را دربرگیرد؛ دوم اینکه الگو باید رابطه‌ی تعاملی بین مؤلفه‌های ابعاد را به‌گونه‌ای مشخص کند که دارای مفهومی جامع از دینداری باشد. با درنظر گرفتن ویژگی‌های یادشده و نیز بر اساس جمع دو روش مفهومی و آماری رویکرد توسعه‌ی مدل‌های سنجش دینداری، خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۹) مدل شناختی-رفتاری سنجش دینداری را مطالعه و منتشر کردند. این مدل سه مؤلفه بسیار وسیع را در بر می‌گیرد: باور دینی، عواطف دینی و رفتار دینی. به‌علاوه این سه مؤلفه دینداری در دو قلمرو فردی و اجتماعی رخ می‌دهد.



تصویر ۱: ساختار دینداری براساس مبانی نظری دین اسلام

- \*- برخوردار از شناخت و باور به پروردگار یکتا، انبیا، آخرت و احکام الهی و داشتن عواطف نسبت به خدا - اولیا و بندگان خدا و التزام و عمل به وظایف دینی برای تفریب به خداوند.
- ۱- شناخت و باور به پروردگار یکتا، عالم غیب، انبیا، آخرت، احکام و فرائین الهی.
- ۲- علاقه به پروردگار یکتا، پیامبران، اولیای الهی، ذوی‌الحق و فضایل و دشمنی نسبت به دشمنان خدا و دشمنان اولیای الهی و بی‌زاری از ردائیل.
- ۳- پایبندی به شریعت و دستورات دینی شامل اخلاق و احکام دینی.
- ۴- علاقه و محبت به خدا، حسن ظن به خدا، تکرال، راضی به قضای الهی، علاقه به انبیا و اولیای الهی، علاقه و محبت به هم‌کیشان و احترام به پیروان دیگر ادیان، گرایش به عدالت، راستی و بشردوستی.
- ۵- تجربه دینی یک اصطلاح ذهنی است که بر تکرار افراد از تماس خود با واقعیت متعالی یا خدا در وجود متعالی (فا فی الله) اشاره دارد.
- ۶- بی‌زاری از شر، عدم گرایش به ظلم - بی‌زاری از حیثیت و دروغ‌گویی.
- ۷- تنگنا، روزگاری، دعا، و رعایت حلال و حرام.
- ۸- خصم، زکات، حج، جهاد، انجام تاسکات و مراسم آیینی - حضور در مکان مقدس و احترام به زمان مقدس به‌صورت جمعی.
- ۹- اجتناب از گناه، پاکدامنی، توبه، صبر، شکرگزاری، آرامش و پاکیزگی، رفع نیازهای طبیعی به‌صورت متعادل، راستگویی، اخلاص و فقیهت‌جویی.
- ۱۰- خوش‌اخلاصی و نیکوسازی رفتار، عفو و گذشت، وفای به عهد، احسان - تعاون، بازی مظلوم، اصلاح بین افراد، ابرار، ادای حقوق خویشاوندان، صلح و دوستی و کمک به نیازمندان، رعایت حقوق خانواده، مخالفت با استغران، کنش برای برپایی عدل.
- ۱۱- استفاده صحیح از طبیعت، مهربانی با حیوانات، حفظ محیط زیست و پرهیز از اسراف.

سه مؤلفه اصلی دینداری یادشده برای آن دسته از روانشناسان اجتماعی که به طور عمومی به اهمیت متمایز کردن معرفت (شناخت)، احساسات (عواطف) و اعمال (رفتار) آگاهند، کاملاً آشناست. کاربرد این سه مؤلفه مرکزی در مطالعات دینی موضوع جدیدی نیست. هال<sup>۱</sup> (۱۸۹۱)، استاریاک<sup>۲</sup> (۱۸۹۹)، لوبا<sup>۳</sup> (۱۹۱۲) و کورنوال و همکاران (۱۹۸۶) هم بین باورهای دینی، احساسات دینی و اعمال دینی تمایز قائل شده‌اند. مؤلفه شناختی مترادف باور دینی است. ابتدا گلاک<sup>۴</sup> (۱۹۶۲) این مؤلفه را ایدئولوژی نامید. سپس استارک و گلاک (۱۹۶۸) آن را "راست‌آیینی"، و کینگ و هانت (۱۹۷۵) آن را "ایمان دینی" نامیدند. مؤلفه عاطفی جنبه احساسی دین بوده و دربرگیرنده احساسات دینی به سمت افراد، موضوعات و مؤسسات دینی است. در نهایت رفتار دینی شامل همه اعمال و حرکات بیرونی مانند وظایف دینی، مشارکت در مراسم و آیین‌های دینی، اعمال خیریه مالی و رفتارهای اخلاقی است.

هر یک از عناصر تشکیل‌دهنده این سه مؤلفه اساسی برای فرد مسلمان بر اساس آیات قرآن، روایات اسلامی و دیدگاه دانشمندان مسلمان احصا و به‌دقت تعریف شد که برای آگاهی بیشتر می‌توان به "مدل سنجش دینداری و ساخت مقیاس آن در سطح ملی" (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۸۸) مراجعه کرد. از دیگر اهداف توسعه مدل شناختی - رفتاری دینداری علاوه بر ساخت و هنجاریابی مقیاس سنجش دینداری، استفاده از آن به‌عنوان راهنمایی برای برنامه‌ریزی در جهت بهبود مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری است. این هدف در عنوان مقاله تحت‌اعتمادی باورها و رفتارهای دینی دانشجویان ذکر شده است. یافته تحلیل عاملی بررسی قبلی مؤلفان مقاله آشکار کرد که ۵۸ درصد تغییرات دینداری با استفاده از عامل باور دینی، ۲۲ درصد با عواطف دینی و ۲۰ درصد با وظایف دینی تبیین می‌شود، به‌عبارت دیگر، در وضعیت فعلی دینداری، باورهای دینی ایرانیان دارای بیشترین اهمیت یعنی دو برابر به نسبت عواطف دینی و وظایف دینی است. این یافته بارها در تحقیقات دیگری در کشور تأیید شده است (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۸۸).

در تحقیق کاظمی‌پور و رضایی (۲۰۰۳) مقایسه یافته‌های سنجش دینداری سال ۱۹۷۵ سه سال قبل از انقلاب اسلامی ایران و ۲۰۰۱ بیانگر بالاتر بودن باورهای دینی به نسبت وظایف دینی است. تحقیق آزاد ارمکی و بهار (۲۰۰۶) نیز مؤید آن است که با وجود باورهای دینی قوی، مشارکت در اعمال دینی جمعی ضعیف است. همچنین بررسی روند طولی به‌جا آوردن وظیفه دینی نماز در بین دانشجویان

---

1.Hall  
2.Starback  
3.Leuba  
4.Glock

نشان‌دهنده روند نزولی آن طی یک دوره هشت‌ساله است. رفتار نمازگزاری در پژوهش طالبی (۱۳۷۴) ۷۲/۷ درصد و در پژوهش‌های بعدی طی گزارش‌های ایسپا (۱۳۸۰) ۷۰/۷ درصد، ایسپا (۱۳۸۱) ۷۲/۴ درصد و خراطیان (۱۳۸۲) ۷۵/۸ درصد بوده که تقریباً روند باثباتی دارد و در گزارش‌های غیاثوند (۱۳۸۴) ۶۶/۶ درصد، خدایاری‌فرد و همکاران (۱۳۸۵) ۶۰/۹ درصد و خدایاری‌فرد و همکاران (۱۳۸۸) ۵۸/۵ درصد ذکر شده است.

اکنون با توجه به روابط آماری بین مؤلفه‌های مرکزی دینداری یعنی باور، عواطف و رفتار دینی، موضوع اصلی این است که چگونه می‌توان از مزایای موجود یعنی قوی بودن باور دینی، به تقویت عوامل دیگر یعنی عواطف و رفتار دینی پرداخت؟ به عبارت دیگر با یک برنامه ریزی دقیق می‌توان با استفاده از باورهای دینی قوی دانشجویان، عواطف و رفتار دینی آنان را تقویت کرد. به این منظور ابتدا باید برنامه‌های جامع تعاملی روانی-اجتماعی را تعریف و مشخص کرد.

### عوامل روانی-اجتماعی<sup>۱</sup> دینداری

اصطلاح روانی-اجتماعی به‌طور وسیع و با عناوین متعددی مانند سازوکار روانی-اجتماعی، محیط روانی-اجتماعی، منابع روانی-اجتماعی، زمینه روانی-اجتماعی و حمایت روانی-اجتماعی در مقالات علمی-پژوهشی به کار می‌رود (مارتی‌کاینن<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۲). با وجود کاربرد وسیع این اصطلاح، تعریف دقیق و واحدی از آن ارائه نمی‌شود. واژه‌نامه انگلیسی آکسفورد، این اصطلاح را "نفوذ عوامل اجتماعی روی شناخت و رفتار افراد و روابط درونی عوامل اجتماعی و رفتاری" تعریف کرده است.<sup>۳</sup> این تعریف احتمالاً اهمیت بسیاری برای طراحی برنامه‌های جامع تعاملی روانی-اجتماعی دارد، زیرا به طراحان در شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر تغییر و نفوذ بر رفتار دینداران کمک می‌کند. عوامل اجتماعی نیز بر اساس چارچوب‌های جامعه‌شناختی به سه سطح متمایز خرد، میانه و کلان<sup>۴</sup> تقسیم می‌شود (مارتی‌کاینن و همکاران، ۲۰۰۲). در مدل زیر رابطه تعاملی عوامل اجتماعی و فرد ترسیم شده است.

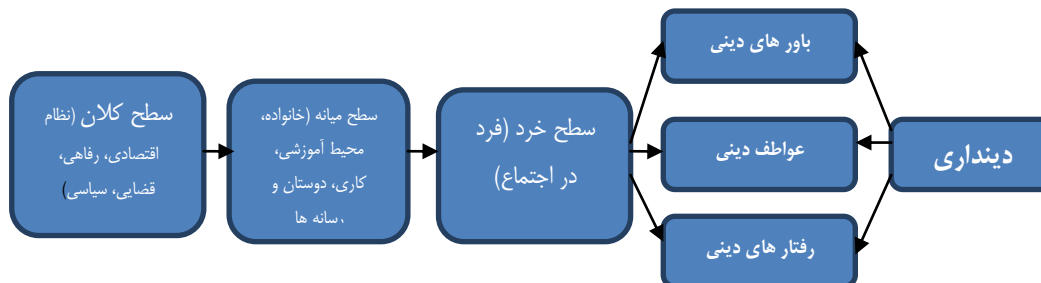
1. psychosocial

2. martikainen

3. <http://oxforddictionaries.com/definition/english/psychosocial?q=psychosocial>

4. macro, Meso and Micro

طراحی برنامه تعاملی روانی- اجتماعی باورها و رفتارهای دینی دانشجویان بر اساس ...



تصویر ۲: مسیر تعامل عوامل روانی- اجتماعی

با توجه به مدل بالا، قلمرو برنامه‌ریزی جامع تعاملی روانی- اجتماعی در سطح میانه و در محیط آموزشی دانشجویان یعنی دانشگاه و دانشکده است. اکنون در پرتو یافته‌های پژوهشی، عوامل اجتماعی مؤثر بر محیط دانشگاه بر دانشجویان جوان از نظر دینداری بررسی می‌شود.

### پیشینه تجربی تحقیق

همان‌طور که ذکر شد، به‌منظور مطالعه عوامل روانی- اجتماعی و شناختی مؤثر بر دینداری دانشجویان و طراحی برنامه‌های تعاملی به‌منظور ارتقای دینداری بر اساس مؤلفه‌های ارائه‌شده در سازه نظری مطالعات غیراسلامی اقدامات پژوهشی بسیاری انجام گرفته است. در این بخش گزارش‌هایی از مطالعات انجام‌گرفته در این مورد و نتایج آن ارائه شده است.

دانشجویان ممکن است در نتیجه کاهش محدودیت والدین و به‌دست آوردن کنترل بیشتر بر رفتار خود به‌صورت خاص، تغییراتی را در باورها و اعمال دینی خود تجربه کنند. در این بافت، هنجارهای همسالان و دوستان ممکن است اهمیت یابند (مارتی‌کابین و همکاران، ۲۰۰۲). در این دوره، هنجارهای اجتماعی در محیط‌های آموزشی، دارای پتانسیل تأثیر قوی بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای دانشجویان هستند. دانشگاه جوانان را برای دوره‌ای کم و بیش طولانی گرد هم می‌آورد و آنان را با فعالیت‌ها و ارزش‌های جدید در بافتی مواجه می‌کند که در آن هنجارهای اجتماعی، بسیار برجسته و اجباری هستند. نفوذ هنجاری ممکن است هم‌نواپی رفتاری بیرونی را تشویق کند یا نگرشی را که جوان نسبت به خود دارد، از طریق همانندسازی با گروه تغییر دهد. تحقیقات به چند عامل نفوذ اجتماعی بر دینداری فردی از جمله خانواده (اوزراک<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹؛ هوگ و پتربیلو<sup>۲</sup>، ۱۹۷۸)،

1. Ozorak
2. Hoge & Petrillo

گروه دوستان (رنجروس، اسمیت و اسمیت<sup>۱</sup>)، (۲۰۰۴) و اجتماع (شرکت<sup>۴</sup> ۱۹۹۸) اشاره کرده‌اند. رنجروس، اسمیت و اسمیت (۲۰۰۴) دریافتند که حضور در مکان‌های مذهبی در قالب گروه‌های دوستان در دانشگاه تأثیر مثبت بیشتری نسبت به حضور فردی دانشجوی در مکان‌های مذهبی و اهمیت ذهنی دین دارد. فرهنگ دینی دانشگاه ممکن است بر تغییرات اعمال دینی ناشی از تلاش دانشجو برای هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی درون دانشگاه اثر بگذارد. دانشگاه ممکن است جایگاهی باشد که دانشجو رفتار و اعمالش را با آن تطبیق می‌دهد (کولمن<sup>۵</sup>، ۱۹۶۱؛ مرتون<sup>۶</sup> ۱۹۵۷) و رفتار دانشجویان ممکن است الگوی برگرفته از رفتار مورد قبول دانشگاه باشد. حضور در فعالیت‌های مذهبی در ذات خود فعالیتی اجتماعی است و حضور دانشجویان در مکان‌های مذهبی ممکن است موضوع مشاهده و مورد بحث دیگران قرار گیرد. نگرش‌ها و عبادات فردی نیز ممکن است از طریق بحث با دیگران در دانشگاه و برخی رفتارهای منظم و به‌ظاهر خصوصی توسط دیگران مشاهده شود (شرکت، شانون و کانینگهام<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸). مشاهده دیگر دانشجویان و تعامل با آنان احتمالاً احساسی از مشارکت دینی در دانشگاه به دانشجویان می‌دهد. فرهنگ هنجاری دانشگاه ممکن است هم رفتار بیرونی دانشجو را شکل دهد و هم درونی‌سازی شود و بر هویت وی اثر بگذارد (اکلرف و کرتون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲؛ باربر<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۱). از دیدگاه دینداری، درونی‌سازی جو دینی دانشگاه ممکن است باورهای دینی دانشجویان و رفتارهای خصوصی ایشان را تحت تأثیر قرار دهد. تأثیر بافت دانشگاه ممکن است به اهمیت دانشگاه برای دانشجو وابسته باشد. دانشجویانی که پیوندی قوی با دانشگاه دارند، به احتمال بیشتری هنجارهای آن را به‌عنوان بخشی از هویت خود درونی‌سازی می‌کنند (الیسون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۵؛ الیسون و شرکت، ۱۹۹۵).

علاوه بر شناخت و رفتار که در مداخلات و تعاملات دینداری مهم تلقی می‌شوند و در فهم درست از دینداری تأثیر می‌گذارند، بعد ارتباطی رفتارهای دینی را نمی‌توان نادیده گرفت (کرک پاتریک<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹). انسان در روابط خود با دیگران و وجود متعالی، اعمالی را از خود بروز می‌دهد که در بیشتر ادیان جزو رفتارهای نمادین به‌حساب می‌آیند و در ارتباطات معنای مخصوصی دارند، مثل نیایش با خدا، تعاملات مردم با همدیگر در ایثار و بخشش. بسیاری از رفتارهای دینی ارتباطی هستند و در ارتباط‌های

- 
1. Regnerus, Smith
  2. Shannon & Cunningham
  3. Akerlof & Kranton
  4. Barber
  5. Ellison
  6. Kirkpatrick



افراد دیندار تجلی می‌یابند (کرک پاتریک و شیور<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲). از بین گونه‌های ارتباطی متصور برای انسان دو گونه مشخص از ارتباطات در مناسک دینی، بیشتر جلوه‌گر است: دلبستگی موضوعی و رفتار عاشقانه. گونه دلبستگی زمانی فعال می‌شود که اشخاص در معرض خطر یا ناراحتی و فقدان قرار گیرند و در پی تکیه‌گاه و پایگاه امن باشند و برای دریافت حمایت به‌سوی منبعی مطمئن و قوی گرایش پیدا کنند (بالی<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶).

دلبستگی ممکن است ایمن، نایمن اضطرابی یا نایمن اجتنابی باشد. ایمن بودن دلبستگی اساس رشد شخصیت و سلامت در دوران زندگی است و تأثیرات انکارناپذیری در عملکرد روانی افراد دارد. گفته می‌شود که داشتن الگوی مثبت از خود یا دیگران که در دلبستگی ایمن متصور است، می‌تواند به‌عنوان فیلتر در پردازش تجربیات آینده، روابط بین‌فردی و تنظیم هیجان‌ات عمل کند (شور<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳). زمانی که دلبستگی افراد نایمن باشد و فرد نتواند هیجان‌های خود را تنظیم کند، احتمال دارد اختلال‌های روانی که در محورهای یک و دو در راهنمای تشخیصی روانپزشکان آمده است، در فرد ظهور یابد (کراول و تریپاکس<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵). پژوهش‌ها همچنین نشان داده است که بین افسردگی، اضطراب و اختلال‌های شخصیتی و دلبستگی نایمن ارتباط معناداری وجود دارد (برنان و شیور<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸). رابطه فرد با خدا نیز به‌عنوان نوعی رابطه دلبستگی بررسی شده است (کانتون<sup>۶</sup>، ۱۹۹۳). خداوند در متون دینی، دعای مؤمنان و نیایش‌های روزانه به‌عنوان موضوع دلبستگی معرفی می‌شود که افراد، هنگام ناراحتی و رنج‌های جسمی، روحی و روانی به او نزدیک می‌شوند و از او کمک می‌طلبند و او را پایگاهی امن و پناهگاه مطمئن می‌یابند (کرک پاتریک و شیور، ۱۹۹۰). خداوند در الگوی دلبستگی، حمایت‌گر، حکیم و دانا، در دسترس و اجابت‌کننده خواست بندگان تلقی می‌شود و بندگان افرادی به‌شمار می‌روند که نیازمند اویند و او را همه‌جا حاضر و قدرتمند و حکیم می‌دانند. الگوی فعال درونی که در دوران کودکی شکل می‌گیرد و از موضوع دلبستگی والدین ناشی می‌شود، دو الگوی رقیب تبیین‌کننده هستند که انتقال کیفیت دلبستگی از والدین به خداوند را تبیین می‌کنند (کرک پاتریک، ۲۰۰۵) و عبارتند از الگوی همسانی و الگوی جبرانی.

- 
1. Shaver
  2. Bowlby
  3. Schore
  4. Crowell & Treboux
  5. Brennan & Shaver
  6. Gunton

الگوی همسانی که در فرایند اجتماعی شدن کودک شکل می‌گیرد، بیشتر در خانواده‌های مذهبی ملاحظه می‌شود. فرزندان در خانواده‌های مذهبی، زمانی که الگوی دلبستگی ایمن با والدین خود دارند، این الگو را از طریق اجتماعی شدن و هماهنگی با والدین خود به خدا انتقال می‌دهند. در خانواده‌های غیرمذهبی زمانی که کودکان دلبستگی ناایمن به والدین خود دارند، از طریق فرایند جبرانی، الگوی دلبستگی ایمن را انتخاب می‌کنند و از طریق این فرایند، دلبستگی ایمن به خدا از خود نشان می‌دهند. در این روش کودکان خداوند را جانشین والدین (ناکارآمد) خود می‌کنند و می‌دانند با آنکه والدینشان در دسترس آنان نبوده است، خداوند همیشه کنار آنان خواهند بود و از آنان مراقبت خواهد نمود. الگوی جبرانی زمانی اتفاق می‌افتد که فرد در کودکی مراقب دلسوزی نداشته باشد، فرد برای جبران فقدان مراقب اولیه توسط مراقبان اولیه خود سعی در جبران این فقدان کرده و برای جبران این کمبود در دوران کودکی خداوند را جانشین همه نداشته‌هایش می‌کند. هر چند الگوهای همسانی را روانشناسان نوعی مکانیسم سازگاری با افراد قدرتمند و بزرگسال می‌دانند، الگوی جبرانی را مکانیسم جبران برای کمبود به حساب می‌آورند. هر کدام از این دو الگو سازوکارهای ویژه‌ای دارند و به روش خاصی در سلامت و مقابله‌های فرد تأثیر می‌گذارند. تعدادی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که الگوی همسانی به سلامت روان بیشتر و کنترل هیجان‌ها منجر می‌شود، درحالی که الگوی جبرانی فقط از اضطراب فرد جلوگیری می‌کند و برای او در مواقع اضطراری پایگاه امن موقتی فراهم می‌آورد (کرک پاتریک، ۲۰۰۵).

افرادی که دلبستگی ناایمن به خدا پیدا می‌کنند، نیازشان به داشتن پایگاه امن معنوی دچار آسیب می‌شود. این افراد از احقاق حق خود و طرفداری از ارزش‌های اصیل دینی و انسانی می‌ترسند، زیرا اطمینان به حمایت شدن از سوی موضوع دلبستگی و حمایت متعالی را از دست داده‌اند. این افراد علاوه بر اینکه خود را شایسته ابراز وجود و احترام به خویشان نمی‌دانند، اعتماد خود به پشتیبانی معنوی را از دست داده‌اند و نمی‌توانند به کمک خداوند اتکا کنند و پشت خود را خالی می‌بینند. چنین افرادی علاوه بر داشتن بیماری‌های روانی مانند افسردگی و اضطراب و اختلال در روابط بین فردی (کرک پاتریک و شیور، ۱۹۹۰)، دچار آسیب‌های معنوی نیز می‌شوند. عبادت‌های آنان بیشتر سطحی است و از نیایش با خدا لذت نمی‌برند و نمی‌توانند رابطه رضایت‌بخشی با خدا داشته باشند یا در سختی‌ها به او توکل کنند. چنین افرادی تحریف‌های شناختی در مورد خدا و وجود متعالی پیدا می‌کنند و از صمیم قلب نمی‌توانند به خدا اعتماد کنند. آنان در صورتی که به خدا دلبستگی اجتنابی پیدا نکنند، نسبت به او دلبستگی اضطرابی پیدا می‌کنند. دلیل انتخاب روش شناختی- رفتاری و ارتباطی به‌عنوان الگوی تعدیل رفتارها و شناخت و

باورهای دینی، توانایی این الگو برای تبیین اختلال‌ها و مدیریت و درمان آنهاست (ماینر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). در تحقیقات طولی ده‌ساله‌ای با گروه نمونه ۱۴۵۲۷ دانشجو از ۱۳۶ دانشگاه ایالات مختلف آمریکا که به صورت کیفی و کمی انجام گرفت (خلیلی و اسدی‌پور، زیر چاپ)، نتایج زیر به دست آمد:

۱. بیشترین رشد در پنج کیفیت معنوی هنگامی به دست آمد که دانشجویان به صورت فعال درگیر "کار درونی" بودند؛
  ۲. جست‌وجوی معنوی دانشجویان هنگامی افزایش یافت که دانشکده، دانشجویان را به تعمق و یافتن معنا در پرسش‌ها تشویق می‌کرد؛
  ۳. تجربه‌های آموزشی و جلسات بحث و گفت‌وگو که رشد معنوی را حمایت می‌کنند، دروس میان‌رشته‌ای، آشنایی و بازدید از فرهنگ‌ها و اعتقادات متنوع که به نوعی تفکر انتقادی را تقویت می‌کنند، از عوامل مؤثر رشد معنوی گزارش شده‌اند؛
  ۴. فعالیت‌های داوطلبانه نیکوکارانه در ضمن فعالیت‌های دانشگاهی، خدمات اجتماعی در محله‌ها، کمک به دوستان با مشکلات شخصی، کمک‌های مالی و خدماتی به مراکز خیریه، رشد کیفیت‌های معنوی را تسهیل می‌کنند و توسعه می‌دهند؛
  ۵. این نتایج در کیفیت‌های معنوی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان، مهارت‌های رهبری، بهزیستی روانی و رضایت از دانشگاه همبستگی داشته و بر افزایش این متغیرها مؤثر بوده است.
- همچنین در یک مطالعه آزمایشی با عنوان "فعال‌سازی رفتاری رفتارهای دینی"<sup>۲</sup> برای دانشجویان افسرده (آرمن تو، مک نولتی و هوپ کو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲)، پروتکل درمانی بر اساس درمان افسردگی مبتنی بر فعال‌سازی رفتاری طرح‌ریزی شد. در درمان افسردگی مبتنی بر فعال‌سازی رفتاری فرض بر این است که فعال‌سازی رفتارها همراه با مشوق‌های محیطی موجب کاهش افسردگی و افزایش افکار و عواطف مثبت می‌شود. این محققان در این چارچوب رفتارهای دینی را به عنوان رفتار هدف قرار دادند. در این پروتکل درمانگران ابتدا به دانشجویان شرکت‌کننده در مطالعه در مفهوم‌سازی بهتر افکار دینی و معنوی کمک می‌کردند و پس از آن فرایند فعال‌سازی رفتار دینی آغاز می‌شد. به این صورت که در یک جلسه ۶۰ دقیقه‌ای دانشجو تشویق می‌شد که در گفت‌وگوی آزاد افکار دینی و تأثیرات مثبت و منفی آن را در زندگی‌اش بیان کند. سپس درمانگر به بیان عقلانی نتایج پژوهش‌هایی می‌پرداخت که آثار مثبت افکار و رفتارهای دینی را نشان می‌داد. سپس در قسمت انتهایی جلسه، دانشجو فرمی را تکمیل می‌کرد که در

---

1. Miner  
2. Behavioral Activation of Religious Behaviors (BARB)  
3. Armento, McNulty, and Hopko

آن هدف‌گذاری فعالیت‌های دینی و رفتارهای دینی را که او علاقه‌مند بود در فاصله دو هفته دیگر به آن بپردازد، مشخص می‌کرد. رفتارهای دینی که دانشجویان مشخص کرده بودند، شامل عناوین زیر بود: شرکت در نماز مقدس، رفتن به مکان آرام و عبادت، کمک به سازمان‌هایی که خدمات مذهبی انجام می‌دهند، خواندن کتاب مقدس، شرکت در جلسات مطالعه کتاب مقدس، مطالعه کتاب‌های ایثار و فداکاری، شرکت در جلسات اجتماعی دینی، عبادت خصوصی، گوش دادن به موسیقی‌های مذهبی، صحبت با رهبران دینی، انجام دادن کارهای داوطلبانه در بیمارستان و یادگیری و مطالعه بیشتر در مورد ایمان دینی. در هر فرم، دانشجو آزادانه رفتارهای دینی را تعریف، و برای آنها زمان، تاریخ و مکان را برای دو هفته بعد مشخص می‌کرد. در این تحقیق، ۵۰ دانشجوی دارای نشانگان افسردگی از خفیف تا شدید به صورت کاملاً تصادفی به دو گروه بیست‌وپنج نفره تقسیم شدند که یک گروه درمان مداخله فعال‌سازی رفتار دینی و گروه دیگر مداخله حمایتی دریافت می‌کردند. نتایج نشان داد که نگرش و رفتار دینی و مهارت‌های مقابله‌ای دانشجویان در گروه فعال‌سازی رفتارهای دینی در سنجش پس از مداخله افزایش معناداری داشت.

همچنین در پژوهش آزمایشی السعدی و بسیط<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) در عمان، ۲۴۱ دانش‌آموز پایه دهم دبیرستان به صورت تصادفی انتخاب، و به طور کاملاً تصادفی به دو گروه کنترل و آزمایش تقسیم شدند. سپس حد انعطاف‌پذیری دینی آنان اندازه‌گیری شد. سپس گروه آزمایش در دوره‌های آموزشی شرکت کردند که هدف آن افزایش انعطاف‌پذیری دینی دانش‌آموزان در برابر دیگر افکار و عقاید بود. مقایسه آماری و مصاحبه‌های پس‌آزمون گزارش‌شده پژوهش بیانگر افزایش معنادار انعطاف‌پذیری دینی گروه آزمایش است. پژوهش آزمایشی کونوناس لیاکیس<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) در یونان نشان می‌دهد که با مداخله تربیتی-اجتماعی و با استفاده از تئاتر می‌توان نگرش و تفکر نسبت به تنوع دینی را تغییر داد. مجموعه نتایج پژوهش‌های آزمایشی بیانگر تأثیر و نفوذ مداخلات هدفمند در تغییر نگرش و افکار دینی است.

---

1. Al Sadi & Basit  
2. Koukounaras-Liagi

## نتیجه‌گیری

نتیجه فراتحلیل مطالعات پیش‌گفته از سوی همکاران محقق، اعضای گروه تحقیق را بر این داشت تا برنامه‌های تعاملاتی خود را بر اساس دو محور تنظیم کرده و هر یک از آنها را با توجه به این محورها هماهنگ کنند. در محور اول تنظیم برنامه‌ها بر اساس تغییر در یکی از ابعاد تعریف‌شده در الگوی نظری شامل باورها، رفتارها و عواطف دینی است. در محور دوم برنامه‌های مداخلاتی قابل اجرا در محیط دانشگاهی (مانند سخنرانی، میزگرد، جلسات پرسش و پاسخ، و کارگاه‌های آموزشی) که به صورت گسترده به کار می‌رود، سنجش می‌شود. از این‌رو، در این تحقیق چهار برنامه کارگاه‌های آموزشی، جلسات پرسش و پاسخ، جلسات نقد فیلم ( به‌عنوان ابزار تغییر) و برنامه‌های طبیعت‌گردی انتخاب شدند. در هر یک از این کارگاه‌ها حسب ظرفیت موجود در دانشگاه و امکانات، برنامه‌های مداخلاتی زیر طراحی شد.

در کارگاه‌های آموزشی، برنامه‌های:

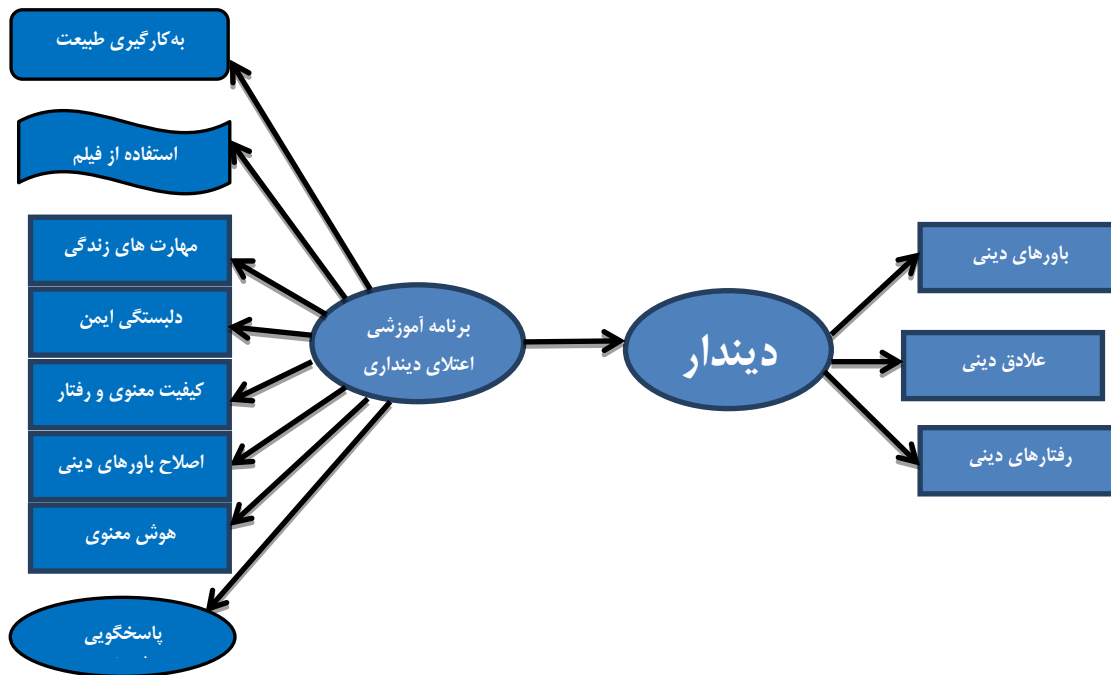
- ۱- مهارت‌های زندگی سالم؛
- ۲- عوامل مؤثر بر دلبستگی ایمن؛
- ۳- کیفیت معنوی و رفتار اخلاقی؛
- ۴- پرورش هوش معنوی؛
- ۵- شناخت و اصلاح باورهای دینی غلط؛
- ۶- خلاقیت و پدیدایی رفتارهای متعالی؛

در جلسات پرسش و پاسخ، برنامه بررسی و پاسخگویی به شبهات با رویکرد تفکر انتقادی؛ در طبیعت‌گردی، برنامه نشاط معنوی در بستر خلقت؛ و در کارگاه نقد فیلم به‌کارگیری فنون افزایش معنویت و دینداری از طریق رسانه آزمایش می‌شود. در کارگاه‌های آموزشی عمده تمرکز تحقیق روی محور تغییر در باورهای دینی به‌عنوان نقطه آغاز برنامه مداخلاتی است. البته بنا بر موضوعات تحقیق و روش‌های به کار گرفته شده در کارگاه تحریک هیجانات و عواطف دینی نیز صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، برنامه تعاملاتی به روش کارگاه آموزشی دو وجه را مدنظر قرار می‌دهد.

در بخش پرسش و پاسخ صرفاً موضوع اصلاح نظام باورهای دینی مدنظر قرار می‌گیرد و از مداخله در ابعاد دیگر صرف نظر می‌شود.

در طبیعت‌گردی سه بعد دینداری شامل نظام باورها، رفتارها و عواطف دینی مورد هدف قرار می‌گیرد.

در کارگاه نقد فیلم نقطه تمرکز تعاملات در بخش عواطف و احساسات است، ولی نظام باورهای دینی نیز از طریق فیلم مورد توجه قرار می‌گیرد.



تصویر ۳: مدل روانی- اجتماعی اعتلای دینداری

پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که خودآگاهی، عزت نفس و اعتماد به نفس شاخص‌های اساسی توانمندی‌ها و ضعف‌های هر انسان است. این سه ویژگی فرد را قادر می‌سازد که فرصت‌های زندگی‌اش را مغتنم بشمارد و برای مقابله با خطرهای احتمالی آماده باشد، به خانواده و جامعه‌اش بیندیشد و نگران مشکلاتی که در اطرافش وجود دارد، باشد و به چاره‌اندیشی بپردازد. مهارت‌های زندگی به‌عنوان واسطه‌های ارتقای سه ویژگی مذکور در آدم‌ها می‌توانند فرد و جامعه را در رسیدن به اهداف مذکور کمک کنند. در بین مهارت‌های زندگی سالم به مهارت خودآگاهی معنوی توجه شد. خودآگاهی، توانایی توجه به خود و ویژگی‌های مختلف شخصی است که با استفاده از این مهارت، فرد به‌صورت یک مشاهده‌گر، خود را بررسی کرده و اطلاعات شخصی خود را پردازش می‌کند. در خودآگاهی معنوی، موضوعات بسیار اساسی مطرح می‌شوند، از جمله دین و عقاید دینی فرد، ارزش‌ها و استانداردهای

طراحی برنامه تعاملی روانی - اجتماعی باورها و رفتارهای دینی دانشجویان بر اساس ...

اخلاقی، معنای زندگی، مقصود زندگی، باور به خداوند و باور به جهان دیگر. در محور کیفیت معنوی و رشد اخلاقی دانشجویان هدف این است که خودشناسی و انتخاب آگاهانه دانشجویان رشد و توسعه یابد و زمینه رشد و توسعه کیفیت‌های معنوی و اخلاقی فراهم شود. این تغییرات از طریق برگزاری کارگاه آموزشی و آموزش این مهارت‌ها و سنجش تغییرات صورت گرفته در جامعه مخاطب بر اساس معیارهای سنجشی که محققان در تحقیقات قبلی خود ارائه کرده‌اند، انجام می‌گیرد.

قرار گرفتن در محیط‌های شناخت نشانه‌ها و حرکت در بستر زمان و مکان از طریق نشانه‌های تاریخ طبیعت و تحریک حس زیبایی شناختی همراه با درک عظمت و پیچیدگی عالم از جمله محورهای تمرکز برنامه طبیعت‌گردی است. در بخش پرسش و پاسخ صرفاً به اصلاح باورهای غلط و حل مسائل به‌وجودآمده از نظام باورها و شناخت به‌دست‌آمده در افراد پرداخته شده و تأثیر این گونه تعاملات بررسی می‌شود. در این مرحله با مداخله همزمان سه محور باورها، عواطف و رفتار دینی مورد توجه قرار گرفته و تغییرات احتمالی بررسی می‌شود.

در محور پاسخگویی به شبهات، هدف این است که با مطرح کردن مهم‌ترین شبهات رایج در بین دانشجویان ضمن واداشتن به تفکر و تعمق در آن مسئله با کمک خود آنها و بهره‌گیری از آیات و روایات به این شبهات پاسخ‌های مستدل داده شود.

در بخش کارگاه نقد فیلم برنامه تعاملاتی بر تغییرات احتمالی در نظام عواطف و هیجانات افراد متمرکز است و نقاط آغازین تغییر از طریق تغییرات عواطف است. در ادامه در حین این تغییرات به اصلاح نظام باورهای دینی افراد پرداخته شده و میزان تغییرات احتمالی سنجیده خواهد شد. اجرای بسته جامع آموزشی بر اساس مفروضه‌هایی بنا شده است که به آنها اشاره می‌شود. مفروضه نخست اولویت‌بندی نوع مداخله بنا بر ویژگی‌های شناختی و رفتاری افراد؛ و مطالعه مقدماتی برای طراحی و اجرای برنامه‌های تعاملاتی است. بنابراین، بدون مطالعه اولیه در جامعه مخاطب، برنامه‌های تعاملاتی ممکن است نتایج معکوس داشته باشد. مفروضه دوم مبنی بر آن است اگر چه مداخله در یک بعد از ابعاد دینداری در برنامه‌های تعاملاتی رایج در محیط دانشگاه ساده‌تر است، پایداری و ثبات در وضعیت جدید حاصل تعاملات چندبعدی و تداوم در برنامه‌های تعاملاتی است. تثبیت وضعیت دینداری افراد بسته به میزان ارتباط دینداری با سه بعد ذکرشده متفاوت است و هر چه این تغییرات در بستر این سه بعد و بسته به ویژگی روانی و شناختی افراد گسترده‌تر باشد، نتایج قابل اعتمادتری به‌دست خواهد آمد. مفروضه سوم بر بسته جامع تأکید دارد که برنامه تعاملاتی در قالب کارگاه آموزشی و مداخله در بعد باورها هنگامی مؤثر است که عنصر مداخله‌گر نقش برجسته‌ای را در این برنامه‌ها ایفا می‌کند و به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده بسیار مهم باید مورد توجه قرار گیرد. با وجود گزارش تأثیر مثبت زیرمؤلفه‌ها بر نظام باورها، نقش عنصر

مداخله‌گر به حدی است که گاهی تأثیر منفی بر مخاطب می‌گذارد. از آنجا که تحقیق حاضر پژوهش مقدماتی در این حوزه تلقی می‌شود، هنوز به پرسش‌های تفاوت‌های احتمالی در مورد اولویت نقطه آغازین تعاملات و همچنین تقدم و تأخر ابعاد قابل مداخله پاسخی نداده است. از این رو، پیشنهاد می‌شود محققانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، برنامه‌های تعاملاتی خود را با اولویت‌بندی‌های متفاوت طراحی کرده و بر اساس آن میزان و نحوه تأثیر هر یک از برنامه‌ها را بسنجند و ثبات در تغییرات را گزارش کنند.

### تقدیر و تشکر

بدینوسیله از استادان و همکاران گرامی جناب آقای دکتر افروز، جناب آقای دکتر باقری، جناب آقای دکتر گواهی، جناب آقای دکتر منطقی، جناب آقای دکتر بوالهروی، جناب آقای دکتر فاطمی، حجت‌الاسلام رجالی‌تهرانی، سرکار خانم دکتر خلیلی، سرکار خانم دکتر فرناش، سرکار خانم دکتر حسینی و سرکار خانم دکتر راقیبیان که در اجرای برنامه‌های تعاملاتی با دانشجویان از همکاری‌های صمیمانه و عالمانه آنها برخوردار بودیم، تشکر و قدردانی می‌شود.

### منابع

- ایسپا (۱۳۸۰). بررسی گرایش به نماز در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران. مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران.
- ایسپا (۱۳۸۱). سنجش نگرش‌های مذهبی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران.
- خدایاری‌فرد، محمد؛ رحیمی‌نژاد، عباس؛ غباری‌بناب، باقر؛ شکوهی یکتا، محسن؛ فقیهی، علی‌نقی؛ آذربایجانی، مسعود؛ افروز، غلامعلی؛ هومن حیدرعلی؛ منطقی، مرتضی؛ پاک‌نژاد، محسن؛ سراج‌زاده، سیدحسین؛ فاطمی، سیدمحسن؛ اکبری زردخانه، سعید؛ فرزاد، ولی‌الله؛ باقری نوع‌پرست، خسرو؛ به‌پژوه، احمد؛ بهرامی‌احسان، هادی (۱۳۸۸). *آماده‌سازی مقیاس دینداری و ارزیابی سطوح دینداری اقشار مختلف جامعه ایران*. گزارش پژوهشی. سازمان ملی جوانان، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری و دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- خدایاری‌فرد، محمد؛ غباری‌بناب، باقر؛ شکوهی یکتا، محسن (۱۳۷۸). *تهیه مقیاس اندازه‌گیری اعتقادات و نگرش مذهبی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف*، تهران: دانشگاه صنعتی شریف.
- خدایاری‌فرد، محمد؛ فقیهی، علینقی؛ غباری‌بناب، باقر؛ شکوهی یکتا، محسن؛ به‌پژوه، احمد (۱۳۸۵). *آماده‌سازی و هنجاریابی مقیاس سنجش دینداری در جامعه دانشجویی کشور*، تهران: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- خراطیان خامنه، حسن (۱۳۸۲). *بررسی میزان گرایش دینی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته پژوهش اجتماعی، دانشگاه تبریز.
- خلیلی، شیوا و اسدی پور، جلال (زیرچاپ). *تنظیم یک پیش‌طرح آزمایشی جهت زمینه‌سازی مباحث معنویت و اخلاق دانشجویان*. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی



طراحی برنامه تعاملی روانی- اجتماعی باورها و رفتارهای دینی دانشجویان بر اساس ...

- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری در ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، ش ۱، ص ۳۴-۶۶
- طالبی، ابوتراب (۱۳۷۴). عملکرد دینی دانشجویان و نمادهای دینداری در میان دانشجویان دختر، *نامه پژوهش*، ش ۲۱ و ۲۰، ۱۳۸۰.
- فرجی، مهدی؛ کاظمی، عباس (۱۳۸۸). بررسی وضعیت دینداری در ایران». *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره دوم، ش ۶، ص ۷۹-۹۵.
- وولف، دیوید، ام. (۱۹۹۷). *روانشناسی دین*. ترجمه دهقانی، محمد (۱۳۸۶). تهران: انتشارات رشد.

## Reference

- Al Sadi, F. H.; & Basit, T. N. (2013). Religious tolerance in Oman: addressing religious prejudice through educational intervention. *British Educational Research Journal*, Vol.39 (3), pp.447-472.
- Allport, G. W., & Ross, J. M. (1967). Personal religious orientation and prejudice. *Journal of Personality and Social Psychology*, 5, 432-443.
- Armento, M . & Hopko, H. (2012). Behavioral Activation of Religious Behaviors (BARB): Randomized Trial with Depressed College Students. *Psychology of Religion and Spirituality*, Vol. 4, No. 3, 206–222.
- Barber, B. L., Jacquelynne S. Eccles, & Margaret R. S. (2001). “Whatever Happened to the Jock, the Brain, and the Princess: Young Adult Pathways Linked to Adolescent Activity Involvement and Social Identity. *Journal of Adolescent Research*, 16 (5):429–55.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment. Voll of Attachment and Loss*. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1986). *The nature of the child's tie to his mother*. In P. Buckley (Ed.), *Essential papers on object relations*. Essential paper in psychoanalysis (pp. 153-199). New York.
- Brennan, K. A., & Shaver, P. (1998). Attachment styles and personality disorders: Their connections to each other and to parental divorce, parental death, and perceptions of parental giving. *Journal of Personality*, 66 (5), 835-878.
- Coleman, J. S. (1961). *The Adolescent Society: The Social Life of the Teenager and its Impact on Education*. New York: Free Press of Glencoe.
- Cornwall, M., Albrecht, P. H. Cunningham & B. L. Pitcher. (1986), *The Dimensions of Religiosity: A Conceptual Model with an Empirical Test*. *Review of Religious Research*. 27(3), 266–244.
- Crowell, J. A., & Treboux, D. (1995). A review of adult attachment measures: Implications for theory and research *Social Development*, 4 (3), 294-327.

- Davidson, J. D. (1975). Glock's Model of Religious Commitment: Assessing Some Different Approaches and Results. *Review of Religious Research* 16:83-93.
- Ellison, C. G. (1995). Rational Choice Explanations of Individual Religious Behavior: Notes on the Problem of Social Embeddedness. *Journal for the Scientific Study of Religion* 34 (1):89-97.
- Ellison, C. G., & Darren E. Sherkat (1995). The 'Semi-Involuntary Institution' Revisited: Regional Variations in Church Participation Among Black Americans. *Social Forces*. 73 (4):1415-37.
- Glock, C. Y. & Stark, R. (1965). *Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand McNally.
- Glock, C. Y. (1962). On the Study of Religious Commitment. *Research Supplement to Religious Education* 57:98-110.
- Gunton, C. (1993). *The one, the three and the many: God, creation and the culture of modernity*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hall, S. (1891). *The Moral & Religious Training of Children and Adolescents*. Pedagogical Seminary.
- Hoge, D. R & G. H. Petrillo, (1978). Determinants of church participation and attitudes among high school youth. *Journal for the Scientific Study of Religion* 171:359-79.
- Hunt, R.A., & King, M. (1971). The intrinsic-extrinsic concept: A Review and evaluation. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 10: 339-356.
- King, M. B. & Richard A. H. (1975) Measuring the Religious Variable: Amended Findings. *Journal for the Scientific Study of Religion* 8:321-23.
- Kirkpatrick, L. A. (1999). Attachment and religious representations and behavior. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (pp. 803-822). New York: Guilford.
- Kirkpatrick, L. A. (2005). Attachment, Evolution, and the psychology of Religion, *New York: Guilford Press*.
- Kirkpatrick, L. A., & Shaver, P. R. (1990). Attachment theory and religion: Childhood attachments, religious beliefs, and conversion. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 29 (3), 315-334.
- Kirkpatrick, L. A., & Shaver, P. R. (1992). An attachment-theoretical approach to romantic love and religious belief. *Personality & Social Psychology Bulletin*, 18 (3), 266-275.
- Koukounaras-Liagis, M. (2011). Can an educational intervention, specifically Theatre in Education, influence students' perceptions of and attitudes to cultural and religious diversity? A socio-educational research. *British Journal of Religious Education*. Vol. 33, No. 1, January, 75-89.
- Lenski, G. (1961). *The Religious Factor, A Sociological Study of Religion's Impact on Politics, Economics, and Family Life*, Connecticut: Greenwood Press.

- Leuba, J. (1912). *The Psychological Study of Religion: It's Origin, it's Function, and it's Future*. New York: Macmillan.
- Martikainen P. , Bartley M. Lahelma. E. (2002). Psychosocial determinants of health in social epidemiology. *Int J Epidemiol*, 31(6):1091-3.
- Merton, R. K. (1957). *Social Theory and Social Structure*. Glencoe, IL: Free Press.
- Miner, M. (2009). The impact of child parent attachment, attachment to God and religious orientation on psychological adjustment. *Journal of Psychology and Theology*, 37 (2) 114-124.
- Mueller, G. H. 1980. The Dimensions of Religiosity. *Sociological Analysis* 41:1-24.
- Ozorak, E. W. (1989). Social and Cognitive Influences on the Development of Religious Beliefs and Commitment in Adolescence. *Journal for the Scientific Study of Religion* 28 (4):448-63.
- Regnerus, M. D., C. Smith, C. & B. Smith, B. (2004) Social Context in the Development of Adolescent Religiosity. *Applied Developmental Science* 8:27-38.
- Roof, W. D. (1979) . Concepts and Indicators of Religious Commitment: A Critical Review' in R. Wuthnow (ed.) *the Religious Dimension: New Directions in Quantitative Research*. London: Academic Press: 17-45.
- Schore, A. N. (2003). *Affect deregulation and disorders of the self*. New York: Norton.
- Sherkat, D. E. (1998). Counterculture or continuity? Competing influences on baby boomers' religious orientations and participation. *Social Forces* 76(3):1087-1115.
- Sherkat, D. E., & Shannon A. Cunningham, C. (1998). Extending the Semi-Involuntary Institution: Regional Differences and Social Constraints on Private Religious Consumption among African Americans. *Journal for the Scientific Study of Religion* 37 (3):383-96.
- Starbuck, E. (1899). *The Psychology of Religion* . New York: Charles Scribner's Sons.
- Stark, R. & Charles Y. G. (1968). *American Piety: The Nature of Religious Commitment*. Berkeley: University of California Press.
- Verbit, M. F. (1970). The Components and Dimensions of Religious Behavior: Toward a Reconceptualization of Religiosity' in Philip E. Hammond and Benton Johnson (eds.) *American Mosaic, Social Patterns of Religion in the United States*, New York: Random House: 24-39.
- Wulff, D. M. (1991). *Psychology of Religion: Classic and Contemporary Views*. New York: John Willey.